

Components and Dimensions of Social Development in Development Programs

Faeze Joghataei¹, Mir Taher Mousavi²,
Mohammad Javad Zahedi³

فائزه جغتایی^{*}، میرطاهر موسوی^{**}، محمدجواد
زاهدی^{***}

introduction: The concept of change, coupled with growth in various forms has always been of interest to scholars of social sciences. However, as of the twentieth century, special attention has been paid to the concept of development and planning to achieve the development turned out to be a worthy goal for most countries. This attention was intensified after the World War II due to the need to rebuild the destruction caused by war, as well as the independence of the former colonial countries. First, the Soviet Union started the planning and due to its success other countries more or less started to codify a comprehensive and focused plan (with extensive government intervention in all means of production of goods and services). Iran, alongside the onset of first experiences in planning in 1948, is a pioneer in this field. In this regard, after the victory of the Islamic Revolution five development programs

مقدمه: مفهوم تغییر توأم با رشد همواره به اشکال گوناگون مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است ولی توجه اختصاصی به مفهوم توسعه و برنامه‌ریزی جهت نیل به توسعه‌یافتگی از قرن بیستم تبدیل به هدفی ارزشمند برای اکثر کشورهای جهان شد که در راستای رسیدن به شاخصهای آن نامه‌ریزی توسعه صورت گرفته است این توجه از بعد از جنگ جهانی دوم و نیاز به بازسازی ویرانیهای ناشی از جنگ، همچنین استقلال کشورهای مستعمره سابق شدت بیشتری یافت. برنامه‌ریزی ابتدا در کشور شوروی سابق انجام می‌شد که به دلیل موفقیت‌آمیز بودن آن سایر کشورها کم‌وبیش اقدام به تدوین برنامه جامع و متمرکز (همراه با مداخله گسترده دولت در تمامی وسایل تولید کالا و خدمات) نمودند. کشور ایران با آغاز نخستین تجربه برنامه‌ریزی در سال ۱۹۴۸ از پیشگامان این امر محسوب می‌شود. در این راستا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پنج برنامه توسعه

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران، ایران

** دکتر جامعه‌شناس، مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) <trmousavi@gmail.com>
*** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه پیام نور

1. M.A. in Sociology
2. Ph.D in Sociology, <trmousavi@gmail.com>
3. Ph.D in Sociology

have been implemented. This study examines different dimensions and components of social development which have been addressed in these programs and evaluates and compares them.

Methods: This study is descriptive-analytical and it was conducted applying qualitative and quantitative content analysis. Through document analysis and literature review, the main and secondary dimensions and components of social development were extracted (eight core dimensions and forty-four subcategories). Accordingly, the content of the development program documents was analyzed and the examples of the programs which were in accordance with core dimensions and subcategories were analyzed in Excel applying quantitative content analysis.

Results: The study findings suggest that in the fivefold development programs, components of "education", "social security and support", "environmental protection", "optimal utilization of resources", "promoting science and technology" and "adjusted gap of deprived and rich areas" have been considered. With regard to the components of "gender justice", "national cohesion", "ethnic convergence", "reduced religious divergence", "the youth", "the

به اجرا درآمده است که این تحقیق به بررسی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته در این برنامه‌ها و سیر تحول و مقایسه آنها می‌پردازد.

روش: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و به روش تحلیل محتوای کیفی و کمی انجام گردید. با مطالعه اسنادی و مرور منابع، ابعاد و مؤلفه‌های اصلی و فرعی توسعه اجتماعی استخراج (هشت بعد اصلی و چهل و چهار زیرشاخه) شده و براین اساس، متن اسناد برنامه‌های توسعه مورد تحلیل محتوا قرار گرفته و موادی از برنامه‌ها که با جدول ابعاد اصلی و زیرشاخه‌ها تطابق داشت در محیط اکسل تحلیل محتوای کمی شدند.

یافته‌ها: در برنامه‌های توسعه پنج‌گانه توجه مشترکی به مؤلفه‌های «آموزش»، «حمایت و تأمین اجتماعی»، «حفاظت از محیط‌زیست»، «بهره‌برداری بهینه از منابع» و «علم‌گستری و فناوری» و «تعدیل شکاف مناطق محروم و برخوردار» شده است.

برای مؤلفه‌های «عدالت جنسیتی»، «همبستگی و انسجام ملی»، «هم‌گرایی قومی-نژادی»، «کاهش واگرایی مذهبی»، «جوانان»، «سالمندان»، «سلامت و ثبات خانواده»، «امنیت اجتماعی» یا سیاست‌گذاری صورت نگرفته یا سیاستها مبهم و کلی بوده‌اند.

بحث: با توجه به مقتضیات اجتماعی-فرهنگی جامعه ایران و روند رو به رشد آسیبهای اجتماعی، همچنین عدم دستیابی به جایگاه مناسب جهانی مبتنی بر سند

elderly”, “family health and stability”, “social security” either there have been no policies or policies have been vague

Discussion: Considering the socio-cultural requirements of Iran’s society and the growing trend of social problems, also lack of access to a proper global position based on vision plan, it is necessary to revise the development programs policies and pay more attention to the neglected components of the development documents.

Keywords: Development, development patterns, development plan, social development

چشم‌انداز، سیاست‌گذاری در برنامه‌های توسعه لازم است مورد بازبینی قرار گیرد و توجه بیشتر به مؤلفه‌های مغفول در اسناد توسعه راهگشا خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: الگوهای توسعه، برنامه توسعه، توسعه، توسعه اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۵

مقدمه

اندیشه پیشرفت و تحول همیشه در ذات جوامع بشری وجود داشته است ولی بعد از رنسانس اروپا و توجه بیشتر به مفاهیمی از قبیل رشد، تکامل و پیشرفت، به تدریج مفهوم مستقل «توسعه» پدید آمد. در طی قرن بیستم این مفهوم سیر معنایی پیچیده‌ای یافت و از ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی مورد بررسی و توجه قرار گرفت. تجربه دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نشان داد که بسیاری از کشورهای درحال توسعه در مجموع به هدفهای سازمان ملل که عمدتاً به صورت «رشد اقتصادی» تعریف شده بود (ایجاد و تداوم رشد سالانه تولید ناخالص ملی با نرخ حداقل ۵ درصد) دست یافتند ولی وضعیت مردم این کشورها نه تنها بهبود نیافت بلکه نابرابری و فقر بحرانی‌تر نیز شد، همین امر موجب توجه بیشتر به توسعه اجتماعی تا دهه‌های پایانی قرن بیستم شد.